

دیدگاه دانشجویان و اساتید پیرامون آیین‌نامه آموزشی ادامه تحصیل بدون آزمون در مقاطع بالاتر

مهسا شکور*، نیکو یمانی، زهرا جوهری

چکیده

مقدمه: در سال‌های اخیر وزارت بهداشت آیین‌نامه‌ای در زمینه پذیرش دانشجو بدون آزمون دانشجویان ممتاز در مقاطع بالاتر را تصویب کرده است که منجر به مباحث و انتقادات زیادی شده است. لذا در این مقاله به بررسی آیین‌نامه مذکور از نظر اساتید و دانشجویان می‌پردازیم.

روش‌ها: مطالعه کیفی بوده و جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه‌ساختارمند انجام گردید. نمونه‌گیری هدفمند و از دانشجویان ترم ۷ و ۸ کارشناسی فاقد شرایط احراز امتیاز آیین‌نامه پذیرش بدون کنکور، دانشجویان کارشناسی ارشد و بعضی اساتید علاقمند دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بودند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع اطلاعات تا ۸ نفر ادامه داشت.

نتایج: بعد از پیاده شدن مصاحبه‌های انجام شده با دانشجویان و اساتید منتخب و تحلیل آنها، ۴۳ کد استخراج شد و ۱۱ تم فرعی و سه تم اصلی استخراج شد: الف) عدالت: انتخاب تنها یک دانشجوی ممتاز، نامناسب بودن معیار معدل، تفاوت‌های جزئی و پیامد بزرگ، عدم توجه به سیستم نمره‌دهی دانشگاه، عدم توجه به سطح دانشگاه محل تحصیل، استحقاق قبول شدن را داشتن. ب) مشکلات اخلاقی: رقابت ناسالم، برخورد نامناسب با پذیرفته‌شدگان، ایجاد حس منفی نسبت به هم‌کلاسی‌ها (ج) پیشرفت علمی: تشویق دانشجویان به رقابت در کسب علم استفاده بهینه از آموزش عالی رایگان.

نتیجه‌گیری: وسیع‌ترین مفهومی که اکثر دانشجویان به آن اشاره داشتند مفهوم بی‌عدالتی بود. و این در حالی است که تصمیم‌گیری در پذیرش دانشجو باید با اهداف آموزش عالی، عدالت اجتماعی و برابری اجتماعی هم‌خوانی داشته باشد و منجر به یک سیاست و تصمیم‌گیری درست شود. با وجودی که یک رویه مشخص استاندارد برای پذیرش دانشجو در همه مؤسسات آموزش عالی وجود ندارد ولی امید است بهترین روش گزینش دانشجو اتخاذ شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی، کارشناسی ارشد، کنکور، عدالت، ایران

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی/ویژه‌نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت/ اسفند ۱۳۹۰؛ ۱۱(۹): ۱۴۱۱ تا ۱۴۱۹

مقدمه

مطالعات متعدد مؤید این حقیقت است که جوامعی توسعه می‌یابند که علاوه بر منابع و ذخایر طبیعی، سرمایه‌های مادی و فیزیکی، از منابع انسانی کارآمد برخوردار باشند. اسمیت بر این باور است که چون استعدادهای افراد در حقیقت نوعی ثروت ملی به حساب می‌آید جامعه با سرمایه‌گذاری‌های آموزشی در جهت کشف و پرورش استعدادها می‌تواند از این ثروت بیشتر بهره

* نویسنده مسؤول: مهسا شکور، دانشجوی دکترا آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی، مدیریت مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. ms.shakour@gmail.com
دکتر نیکو یمانی (استادیار)، گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. (yamani@edc.mui.ac.ir)، زهرا جوهری (مری) گروه بهداشت و پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (jouhari42@yahoo.com)
تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۸/۱۴، تاریخ اصلاحیه: ۹۰/۸/۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۱۶

بجوید(۱). طرفداران نظریه سرمایه انسانی بر این باورند که توزیع عادلانه‌تر فرصت‌های آموزشی، به توزیع عادلانه‌تر درآمدها منجر می‌گردد و بدین ترتیب، یکی از اهدافی که هر سیاست‌تأمین مالی آموزش دنبال می‌کند، نیل به برابری و عدالت اجتماعی است(۲).

مؤسسه‌های آموزش عالی نقش درگاهی را دارند که از طریق آن افراد به خوشبختی زندگی و تکامل اجتماعی دست می‌یابند. تصمیم‌گیری در مورد این که چه کسی باید بتواند از این درگاه بگذرد نه تنها یک لحظه سرنوشت‌ساز برای دانشجوی است بلکه اغلب نشانه مهم دستیابی به عدالت اجتماعی است(۳). مطالعات نشان می‌دهند دسترسی به مشاغل پیچیده با آموزش عالی و خصوصاً تحصیلات تکمیلی رابطه مستقیم و مثبتی دارد که باعث ایجاد جایگاه اجتماعی متفاوت افراد می‌شود و بنابراین تصمیم‌گیری گزینش دانشجو در مقطع تحصیلات تکمیلی اهمیت ویژه‌ای در آینده شغلی افراد می‌یابد(۴) جلوداران این بحث مسؤولین گزینش هستند که از طریق رهبری آنها به دانشجویان با درآمد، جنس، و شرایط اجتماعی اقتصادی متفاوت، قدرتی یکسان داده می‌شود(۵). بعضی محققین پیشنهاد می‌کنند که با توجه به این که هنوز در مورد استاندارد کردن آزمون بررسی توانایی هوشی افراد توافق نیست، برای این که گزینش درست انجام شود، آزمون‌های بررسی دانش بهترین روش ارزیابی دانشجویان هستند(۳). در عین حال آزمون‌های پذیرش دانشجو باید هم با کیفیت باشند و هم به گونه‌ای باشند که در تصمیم‌گیری انتخاب دانشجو مفید باشند. در این راستا انتخاب معیارهای مناسب و روا در انتخاب دانشجو همواره مورد بحث بوده است.

در کشورهای مختلف جهت ادامه تحصیل در آموزش عالی روندهای مختلفی طی می‌شود و در همه کشورها انتخاب دانشجو موضوع بحث برانگیزی است تا جایی که گاه در بعضی موارد مؤسسات مجبور شده‌اند معیار انتخاب دانشجوی خود را به دادگاه ارائه دهند(۶). در

ایران نیز به این دلیل که تقاضا برای آموزش عالی رایگان تحت تأثیر عوامل مؤثر بر تقاضا خصوصاً جمعیت، و میزان رقابت دانشجویان برای ورود به دانشگاه افزایش یافته است، برای پذیرش در آموزش عالی رایگان در کلیه مقاطع از روش گزینش دانشجو و آزمون به نام کنکور استفاده می‌شود و بدین وسیله در توزیع عادلانه و کشف استعدادها نهنفته قدم مؤثری برداشته می‌شود. در سال‌های اخیر علاوه بر برگزاری آزمون کارشناسی ارشد (کنکور کارشناسی ارشد)، آیین‌نامه جدیدی که قبلاً به شکل دیگری اجرا می‌شد مطرح شده است و در طی دو سال گذشته توسط وزارت بهداشت در گزینش دانشجو از کاردانی به کارشناسی و از کارشناسی به کارشناسی ارشد استفاده شده است، که همان پذیرش بدون آزمون دانشجویان ممتاز در مقاطع بالاتر است(۷) و منجر به مباحث و انتقادات زیادی شده است. در این مطالعه با توجه به فلسفه آموزش عالی به بررسی کیفی تجارب دانشجویان و اساتید در مورد آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون در مقاطع تحصیلی بالاتر می‌پردازیم.

روش‌ها

مطالعه از نوع کیفی اکتشافی(۸) به منظور بررسی تجارب دانشجویان و اساتید از اجرای آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون جهت مقطع تحصیلی بالاتر بود. نمونه‌گیری بر اساس نمونه‌گیری مبتنی بر هدف بود و با رسیدن به اشباع اطلاعات، نمونه‌گیری متوقف شد. به این ترتیب با ۸ نفر از دانشجویان و اساتید مصاحبه شد. محیط پژوهش دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و بررسی به صورت مصاحبه بدون ساختار بود. شرکت‌کنندگان دانشجویان کارشناسی شاغل به تحصیل در ترم‌های آخر (شش، هفت و هشت) و علاقمند به شرکت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد که فعلاً مشمول آیین‌نامه نمی‌شدند بودند. همچنین دانشجویان کارشناسی ارشد مشمول آیین‌نامه و خارج از شمول و

به صورت طولانی مدت در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، از بازبینی یکی از همکاران پژوهشی آشنا با پژوهش کیفی و موضوع مورد مطالعه و هم چنین بازبینی توسط شرکت‌کنندگان استفاده شد (۹).

نتایج

بعد از پیاده شدن مصاحبه‌های انجام شده با دانشجویان و اساتید منتخب و تحلیل آنها، مفاهیم اصلی استخراج شد و به این ترتیب ۴۳ کد استخراج شد. کدها در ۱۱ تم فرعی و سه تم اصلی (الف) استحقاق و عدالت، (ب) مشکلات اخلاقی و (ج) پیشرفت علمی طبقه‌بندی شدند که نشان‌دهنده موضوعات اصلی مرتبط با آیین‌نامه آموزشی از نظر دانشجویان و اساتید بود.

الف) عدالت:

- انتخاب تنها یک دانشجو ممتاز: از نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش، وجود یک دانشجو ممتاز از یک کلاس ۴۰ نفره نمی‌تواند یک انتخاب عادلانه‌ای باشد. دانشجویان با اعلام برتر بودن خود انتظار داشتند که یکی از دانشجویان برتر باشند ولی از آنجا که چند نفر از آنها در یک سطح بودند امکان حدس زدن این که کدام یک بهترین خواهند بود مشکل بود و از طرفی بعضاً فکر می‌کردند در کلاس آنها نسبت به کلاس‌های دیگر لازم است حداقل دو نفر را به عنوان بهترین انتخاب کنند.

یکی از دانشجویان گفت: «عادلانه نیست که فقط یک نفر انتخاب شود، در کلاس ما، چند نفریم که همیشه بیشترین نمرات را می‌گیریم، ترم گذشته من شاگرد اول بودم و این ترم [...] با اختلاف جزئی شاگرد اول شد».

- نامناسب بودن معیار معدل: آنها اظهار داشتند که همیشه کسب معدل بیشتر نشانه ممتاز بودن نیست و مثلاً یکی می‌گوید: « [...] در درس‌های تخصصی نمره کمتری می‌گیره ولی درس‌های عمومی نمره‌هاش خوب شده ولی من برعکس، خب نمره تخصصی مهم‌تره...، ولی

بعضی اساتید علاقمند به آینده تحصیلی دانشجویان نیز در پژوهش شرکت کردند.

پژوهشگر پس از کسب رضایت شفاهی از شرکت‌کنندگان با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته که بر طرح سؤالات نیمه‌ساختاردار و محوری استوار بود به جمع‌آوری داده پرداخت. تعدادی سؤال مشخص کوتاه پاسخ و تعدادی سؤال باز کلی مطرح شد. سؤالات کوتاه پاسخ در رابطه با مشکلات و مزایا و نظرات آنها در مورد آیین‌نامه مورد نظر بود و در سؤالی باز از آنها خواسته شد تجارب شخصی خود که مرتبط با آیین‌نامه بود را شرح دهند و در خلال گوش دادن و انتقال مطالب و مرور آنها توسط پژوهشگران سؤالاتی نیز برای پیگیری مطالب بعدی مطرح می‌شد. به این صورت پژوهشگر به دنیای شرکت‌کننده وارد شد تا به طور کامل به تجارب آنها دسترسی پیدا نمایند. این نوع مصاحبه به شرکت‌کنندگان فرصت می‌داد به طور کامل تجارب خود را از پدیده موردنظر توضیح دهند و آزادانه در مورد آن صحبت نمایند جهت جمع‌آوری اطلاعات در هر مصاحبه در مورد تجارب شرکت‌کنندگان سؤال می‌شد و بسته به پاسخ آنها سؤالات بعدی مطرح می‌شد.

نتایج مصاحبه پیاده شد و سپس تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شد. در مرحله اول با دقت کلیه توصیف‌ها و یافته‌های مهم برای شرکت‌کنندگان نوشته شد. عبارات با اهمیت و جملات مرتبط با آسیب‌شناسی آیین‌نامه استخراج شد. سپس پژوهشگر به جملات مهم استخراج شده، مفهوم خاصی بخشید و توصیفات شرکت‌کنندگان و مفاهیم مشترک را در دسته‌های مشخص مرتب نمود. جهت بررسی روایی یافته‌ها نتایج پژوهش به شرکت‌کنندگان بازگردانده شد و پس از رسیدن به نتیجه مورد توافق آنها نتایج نهایی شد (۸).

در این مطالعه برای اعتبار و استحکام داده‌ها از معیارهای گوبا و لینکلون استفاده شد یعنی به منظور باورپذیر کردن پژوهش، ضمن درگیر شدن پژوهشگران

معدل من خیلی خوب نشده»

«من به دلیل مشکلاتی فقط در یک درس نمره خوبی نیاوردم و معدل کل ترم قبلم کم شد ولی بقیه نمراتم از شاگرد اول کلاس بیشتر است اما شاگرد اول نیستم» و یا دانشجوی دیگری می‌گوید: من ترم اول نمره‌هایم خوب نشد ولی حالا دیگه هرچی نمره‌هایم خوب باشه فایده نداره و معدل کلم کمه و از ۱۹ کمتر شده».

- تفاوت‌های جزئی و پیامد بزرگ: گاهی تفاوت بین دانشجویان بسیار جزئی است و نمی‌تواند معیار درستی برای انتخاب دانشجویان باشد. یکی از دانشجویان برای تشریح این مسأله می‌گوید: «تفاوت من و... فقط چند صدم نمره است، نمی‌دانم آیا آخرش چی می‌شه؟ اگر نمره‌هایم این ترم بیشتر شود اول می‌شم»

«... این انصاف نیست که برای چند صدم نمره شاگرد اول نشدم»

- عدم توجه به سیستم نمره‌دهی دانشگاه: عدم توجه به پذیرش یکسان دانشجوی ممتاز از دانشگاه تیپ یک، دو یا سه و شرایط ناهمگون کسب نمره در آنها می‌تواند شبهه‌های بی‌عدالتی را در دانشجویان ایجاد کند که در این رابطه یکی از شرکت‌کنندگان چنین می‌گوید: «چطور می‌شود گفت که نمره دانشجوی این دانشگاه و یک دانشگاه دیگر قابل مقایسه هستند. یکی از همکلاسی‌هایم در دوران دانشجویی کارشناسی از دانشگاه ما به دانشگاه علوم پزشکی ارومیه مهمان شد و معدلش از ۱۷ به ۱۹ تغییر کرد یعنی نمره گرفتن آنجا خیلی راحت‌تر است».

- عدم توجه به سطح دانشگاه محل تحصیل: عدم توجه به استعداد و شرایط اولیه یکسان برای پذیرش در دانشگاه و امکان برتر شدن آسان‌تر در بین دانشجویان جدا شده ضعیف‌تر و برعکس، از دیگر مشکلاتی است که دانشجویان بیان کرده‌اند.

یکی از اساتید چنین می‌گوید: «دانشجویی شاگرد آخر دانشگاه‌های تیپ یک از دانشجویی تیپ سه رتبه بهتری کسب کرده است که دانشگاه تیپ یک پذیرفته شده است و

استعداد تحصیلی بهتری داشته است، حالا چطور شاگرد دوم دانشگاه تیپ یک کمتر از دانشجویی تیپ سه استحقاق ادامه تحصیل دارد».

- استحقاق قبول شدن را داشتن: بعضی از قبول شده‌ها ابراز داشتند که حتی اگر امتحان هم می‌دادند قبول بودند و البته استحقاق قبول شدن را دارند.

شرکت‌کننده‌ای چنین ابراز می‌دارد: «خب من شاگرد اول بودم البته که اگر امتحان هم می‌دادم قبول می‌شدم».

و برعکس آن بعضی می‌گویند:

«[...]. کنکور داد ولی قبول نشد ولی با قانون کارشناسی ارشد بدون آزمون قبول شد».

ب) مشکلات اخلاقی:

- رقابت ناسالم: با اجرای این آیین‌نامه دانشجویان امکان ایجاد رقابت ناسالم افزایش می‌یابد و دانشجویان برای کسب نمرات بیشتر به روش‌های قانونی و غیرقانونی ناسالم روی می‌آورند. یکی از دانشجویان برای تشریح این مشکل چنین می‌گوید: «بعضی بچه‌ها با التماس و زبان بازی نمرات خوبی از کارآموزی‌ها می‌گیرند» و یا دیگری می‌گوید: «بعضی‌ها با یه روش‌هایی از استاد نمره می‌گیرند».

«نمره اش ۲۰ نبود ولی می‌رفت با استاد حرف می‌زد و... و نمره می‌گرفت».

- برخورد نامناسب با پذیرفته‌شدگان: دانشجویان پذیرفته شده با این روش از این که مرتباً به عنوان کسانی که به ناحق وارد دانشگاه شده‌اند و از جانب دوستان خود پذیرش لازم را ندارند، نگران بودند.

یکی از آنها چنین می‌گوید: «بچه‌ها برخورد خوبی با من که بدون کنکور قبول شده‌ام ندارند».

- ایجاد حس منفی نسبت به همکلاسی‌ها: دیگری که کارشناسی ارشد را با آزمون قبول شده «آدم خوش شانس بود! حسود نیستم! ولی احساس خوبی نسبت به او ندارم».

ج) پیشرفت علمی:

- تشویق دانشجویان به رقابت در کسب علم: از تم‌هایی است که به آثار مثبت روش توجه دارد. فوایدی که برای استفاده از این طرح خصوصاً از جانب اساتید مطرح می‌شد تشویق دانشجویان به کسب علم بود.

البته برخلاف این نظرات در راستای توسعه علم، مشکلی که از جانب بعضی دانشجویان مطرح می‌شد، عدم امکان فعالیت‌های علمی دیگر بود.

مثلاً یکی از دانشجویان می‌گوید: «می‌خواهم شاگرد اول بشم پس باید بیشتر درس بخونم، نمی‌تونم تو کمیته پژوهش‌های دانشجویی فعالیت داشته باشم».

- استفاده بهینه از آموزش عالی رایگان: که در نهایت منجر به صرفه اقتصادی بیشتر جامعه و دولت است، از دیگر مواردی بود که در سخنان شرکت‌کنندگان به آن اشاره شد.

یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «این طوری، دانشجویی که لیاقت ادامه تحصیل دارد بدون این که فاصله زمانی بین درس خواندنش بیفتد ادامه تحصیل می‌دهد و فوراً وارد بازار کار می‌شود».

بحث

شرکت‌کنندگان در مطالعه ما به دنبال تجارب خود از آیین‌نامه آموزشی ادامه تحصیل بدون آزمون، علاقه به استفاده و یا دیدن وضعیت دانشجوی پذیرفته شده از این روش، تجاربی را در مورد آیین‌نامه مربوطه کسب کرده بودند که تجارب آنها بیشتر حول و حوش مفاهیم عدالت، مسائل اخلاقی و پیشرفت علمی بود.

وسیع‌ترین مفهومی که اکثر دانشجویان به آن اشاره داشتند مفهوم عدالت بود. عدالت در گزینش دانشجو و آموزش یک اصل است و بی‌عدالتی در آموزش نه تنها به ضرر دانشجو می‌شود بلکه ضرر آن متوجه همه جامعه خواهد شد. مقام معظم انقلاب اسلامی در دیدار معلمان سراسر کشور چنین می‌فرماید: «البته عدالت به معنای

این نیست که ما با همه استعدادها با یک شیوه برخورد کنیم؛ نه، استعدادها بالأخره مختلف است؛ نباید بگذاریم استعدادی ضایع بشود و برای پرورش استعدادها بایستی تدبیر بیندیشیم؛ در این تردیدی نیست. اما ملاک، باید استعدادها باشد، لاغیر. عدالت، این است» (۱۰). بعضی از مسئولین دولتی نیز به لزوم سرلوحه قراردادن عدالت در دسترسی به آموزش عالی در دولت‌ها اشاره می‌کنند (۱۱). و از طرفی باتوجه به این که برگزاری آزمون و ارزیابی پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از پایه‌های توسعه عدالت آموزشی است (۱۲) وجود و یا عدم وجود آزمون و ارزیابی اصولی برای ادامه تحصیل می‌تواند بر اجرای عدالت و شناسایی استعدادها تأثیرگذار باشد.

عدالت رویه‌ای یعنی عدالت درک شده در باب ابزارها و رویه‌هایی است که برای تخصیص پیامدها (یا توزیع پاداش) به افراد استفاده می‌شود (۱۳). رویه انتخاب دانشجو در مقاطع بالاتر همان تخصیص پیامدها (یا توزیع پاداش) است که مبین عدالت رویه‌ای می‌تواند باشد که از نظر بعضی دانشجویان مطالعه حاضر، رویه عادلانه‌ای نیست و عدالت رویه‌ای رعایت نشده است. در پژوهش شناگویی که در رابطه با عدالت در آموزش با دانشجویان مصاحبه کرده بود. دانشجویان خواستار محیط آموزشی بودند که هیچ دانشجو با هر موقعیت و یا شرایطی بر آنها ترجیح داده نشود و برتری دادن دانشجویی بر دانشجوی دیگر مکرراً مترادف با بی‌عدالتی در محیط آموزشی توصیف گردیده بود (۱۴) که با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوانی داشت و دانشجویان به دلایل مختلف فکر می‌کردند ادامه تحصیل دادن بعضی و نبودن شرایط تسهیل شده ادامه تحصیل دیگران نوعی بی‌عدالتی است. این مسأله می‌تواند به این علت باشد که دانشجویان زمانی که احساس می‌کنند موفق نیستند و این شیوه آموزش موفقیت زندگی کاری در آینده و یا ادامه تحصیل آنها را تضمین نمی‌کند، احساس بی‌عدالتی می‌کنند (۱۵).

نتایج مطالعه ادهمی در بررسی ارتباط امکانات آموزشی و نیروی انسانی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی نشان‌دهنده وجود همبستگی مثبت بود (۱۶) که با این یافته پژوهش که در رابطه با عدم توجه به سطح دانشگاه‌ها است و این که که کسب رتبه برتر در دانشگاه‌های مختلف، یکسان نیست هم‌خوانی دارد.

از دیگر مفاهیمی که از صحبت‌های دانشجویان استخراج شده است مشکلات اخلاقی است و بارزترین آنها رقابت ناسالم است. هرکس نگران است مبدا در نظر دیگران، بی‌خرد، ناتوان و سراسیمه جلوه کند. درجات کمی از اضطراب برای پیشبرد زندگی طبیعی است ولی مقدار زیاد آن مانع پیشرفت بوده و حتی توانایی انجام کار را از فرد مضطرب می‌گیرد. ایجاد رقابت‌های ناسالم یکی از عوامل مدرسه‌ای ایجاد اضطراب است (۱۷) که در این تحقیق به عنوان یکی از پیامدهای این روش گزینش دانشجویان عنوان شده است و شاید بتوان گفت یکی از برجسته‌ترین مفاهیم، مشکلات اخلاقی ناشی از این روش است که بسیاری از دانشجویان در صحبت‌های خود به اشکال مختلف مطرح کرده بودند. حسادت یکی از مشکلات اخلاقی بود که در صحبت‌های شرکت‌کنندگان احساس می‌شد. گفته می‌شود رقابت می‌تواند منجر به حسادت شود حتی اگر فرد مورد حسادت درگیر رقابت نباشد (۱۸). که در این مطالعه نیز، حسادت هم در بین دانشجویان پذیرفته شده و هم دانشجویان ممتاز خارج از شمول احساس می‌شد، هرچند که مستقیماً احساس حسادت خود را ابراز نمی‌کردند.

وقتی که تعداد متقاضیان ادامه تحصیل زیاد است انتخاب بهترین دانشجویان برای ادامه تحصیل، کاری بسیار مشکل است و به نظر می‌رسد این مسأله در تحصیلات تکمیلی بیشتر می‌شود. در پژوهشی که در کشور کانادا انجام شد برای انتخاب بهترین دانشجویان برای ادامه تحصیل در رزیدنتی، دانشگاه‌های مختلف با توجه به داوطلبان زیادی که داشتند روش‌هایی مثل نمره‌دهی و انتخاب بهترین‌ها و

سپس انجام مصاحبه برای انتخاب بهترین دانشجویان و در نظر گرفتن نمرات دوره تحصیلی را به کار می‌بردند و در جمع‌بندی انجام شده در این پژوهش، از نظر مسئولین، روش درجه‌بندی دانشجویان بهترین روش انتخاب شد. هرچند از نظر محقق به‌کارگیری یک مکانیسم درجه‌بندی در همه دانشگاه‌ها برای انتخاب بهترین دانشجویان روشی مناسب هست یا نه، خود مورد تردید بود (۱۹). به این ترتیب در این پژوهش برای انتخاب متمرکز دانشجویان، به استفاده از معدل تحصیلی به عنوان روش مناسب گزینش اشاره شده است.

در حال حاضر مطالعات مختلف بیانگر این است که انتخاب دانشجویان برای آموزش عالی (خصوصاً علوم پزشکی) باید با کمک ابزارهای با کیفیت و قابل استفاده انجام شود و این ابزارها لازم است روایی لازم را داشته باشند. در حال حاضر در دانشگاه‌های مختلف گزینش دانشجویان تحصیلات تکمیلی با روش‌های متفاوتی انجام می‌شود و هنوز یک روش مشخص استاندارد که بتواند مورد استفاده همه دانشگاه‌ها و یا مورد تایید همه دانشگاه‌ها باشد وجود ندارد (۶ و ۲۰ و ۲۱)

در نهایت پیشنهاد می‌شود با توجه به صحبت‌های گفته شده، بررسی شود که آیا پس از گذشت چند سال از شروع اجرای آیین‌نامه ورود بدون آزمون به مقاطع بالاتر، رضایت و انگیزه دانشجویان برای ادامه تحصیل بهبود یافته است یا نه. چرا که با توجه به رابطه معناداری میان ادراک عدالت با رضایت شغلی کارکنان و رضایت‌مندی که در بعضی مطالعات نشان داده شده است (۲۲) این سؤال پیش می‌آید که آیا چنانچه در محیط‌های آموزشی که مشتریان آن دانشجویان می‌باشند اگر دانشجویان درک بی‌عدالتی داشته باشند، دچار عدم رضایت نخواهند شد و انگیزه آن‌ها از کسب علم کاهش نمی‌یابد؟ (۱۴) و همچنین مشکلات اخلاقی ناشی از اجرای این آیین‌نامه تا چه حد می‌تواند منجر به ایجاد مشکلات شود. و در نهایت این که مزایای اجرای این آیین‌نامه در

را دارند(۷). در مدیریت آموزشی که در راستای ایجاد عدالت است بودجه مالی آموزش رایگان باید به طور عادلانه توزیع شود و از طرفی باید در جهت توسعه آن تلاش شود. بنابراین به نظر می‌رسد در صورتی که هدف تشویق و استفاده بهینه از سرمایه‌گذاری آموزشی است، بهترین راه حل برای تشویق دانشجویان ممتاز بدون این که بی‌عدالتی رخ دهد این است که در کنار استفاده از روش گزینش، همچون بعضی از کشورهای دنیا از بورس‌های تحصیلی استفاده کنیم و یا از امتیاز مثبت معدل در پذیرش دانشجو بهره ببریم. و سعی کنیم عوض این که با انجام یک آیین‌نامه کارشناسی نشده و یا کم کارشناسی شده دانشجویان و جامعه را دچار تنش کنیم و بی‌عدالتی را به صورتی قانونی منتشر نماییم از ابزارهای مؤثرتر و کارآمدتری در جهت تشویق علم آموزی استفاده کنیم، که از میان آنها می‌توانیم به تفاوت حقوقی مناسب‌تر بین کسانی که تحصیلات بالاتری دارند با دیگران و بورس‌های تحصیلی و دادن امتیازهای ویژه و متناسب اشاره کرد.

برابر معایب آن چگونه می‌تواند منجر به ضمانت اجرایی آیین‌نامه شود.

از محدودیت‌های طرح این بود که اساتید و دانشجویان شرکت کننده در طرح با توجه به این که اجرای آیین‌نامه در دانشکده را فقط برای دانشجویان رتبه اول کارشناسی تجربه کرده بودند، تنها به ماده‌ای از آیین‌نامه که در رابطه با پذیرش دانشجویان شاگرد اول در مقاطع بالاتر بود نظر دادند و در رابطه با پذیرش برگزیدگان جشنواره‌های خوارزمی که تعداد محدودی را شامل می‌شد اظهارنظر نکردند.

نتیجه‌گیری

با تفاسیر گفته شده تصمیم‌گیری در پذیرش دانشجو باید با اهداف فرد و عدالت اجتماعی و برابری اجتماعی همخوانی داشته باشد و منجر به یک سیاست و تصمیم‌گیری درست شود. به نظر می‌رسد در این راستا به ندرت یک روش ایده‌آل به کار رود و با این چارچوب ترکیبی عدالت و برابری و رویکرد رهبری آموزشی، مدیران آموزشی سخت‌ترین شرایط تصمیم‌گیری عادلانه

منابع

1. Emadzade M. [Economics of education] Isfahan: Jahad daneshgahi of Isfahan; 2005. [persian]
2. Etaat MJ. [Amoozesh va tosee]. Political & Economic Ettelaat. 2000 143,144. [persian]
3. Rubin J. Judging Our Students-Keeping It Just: The Theorem of Intellectual Measure. Journal of College Admission. 2008.
4. Hyllegard D, Lavin D. Higher education and challenging work: Open admissions and ethnic and gender differences in job complexity. Sociological Forum. 1992;7(2):239-60.
5. Fetter JH, Spencer T, Fitzsimmons B, Hoganson ML. Are We Social Engineers? Journal of College Admission. 2006;190(2006):26-33.
6. Fruen MA. Selection of applicants for medical school admission. Health Policy and Education. [doi: 10.1016/S0165-2281(80)80002-6]. 1980;1(3):221-36.
7. [Aeen name ehraze estedadiaye bartar va nokhbegi], (2007). [persian]
8. Strauss A, Corbin JM. Basics of Qualitative Research:Grounded Theory Procedures and Techniques.. NewburyPark, CA.: Sage; 1990.
9. Lincoln YS, Guba EG. Competing paradigms in qualitative research In: Lincoln NDaY, editor. Handbook of Qualitative Research Thousand Oaks, CA: Sage; 1994. p. 105-17.
10. [Ghesmati az bayanate rahbari dar didare moleman sarasare keshvar 1385/2/12]. 2007 [2011]; Available from: www.khamenei.ir [persian]
11. [Barresi raye etemad be vozaraye pishnahadi dolat dahom(52) daneshjoo: edalat dar amoozesh ali bayad sar lohe dolatha bashad]. Tehran: Iscanews News Agency2010. [persian]

12. Mesri R. [*Can educational equity be attained without exams standardization and accurate academic achievement assessment?*] Proceeding of the 12th Conference of Medical Education; 2011; Mashhad, Iran: Horizons of Medical Education Journal; 2011. [persian]
13. Nadiri H, Tanova C. An investigation of the role of justice in turnover intentions, job satisfaction, and organizational citizenship behavior in hospitality industry. *International Journal of Hospitality Management*. [doi: 10.1016/j.ijhm.2009.05.001]. 2010;29(1):33-41.
14. Sanagoo A, Nomali M, Jouybari LM. [*Explanation of educational equity among Medical Sciences students: evaluation of Medical Sciences students opinions and experiences*]. *Horizons of Medical Education Development*. 2011;4(3). [persian]
15. Hoseinzadeh A. Organizational justice. *Tadbir* 2006;190:18-23. [persian]
16. Adhami A, Javadi Y, Haghdoost A. Relationship between facilities and manpower of basic sciences departments and academic achievement of medical students in Kerman. *Journal of Qazvin University of Medical Sciences and Health Services* 2002;22:56-63. [persian]
17. Mikaili monie F. [*Ezterab-e Emtehan. Roshde moalem*]. 1379 154. [persian]
18. Sassenberg K, Moskowitz GB, Jacoby J, Hansen N. The carry-over effect of competition: The impact of competition on prejudice towards uninvolved outgroups. *Journal of Experimental Social Psychology*. [doi: 10.1016/j.jesp.2006.05.009]. 2007;43(4):529-38.
19. Provan JL, Cuttress L. Preferences of program directors for evaluation of candidates for postgraduate training. *CMAJ*. 1995 153(7): 919-23.
20. Turnbull JM. A modified honours grading system and the selection of postgraduate trainees. *CMAJ*. 1991 May 1;144(9):1125-8.
21. Green SK, Johnson RL, Kim D-H, Pope NS. Ethics in Classroom Assessment Practices: Issues and Attitudes. *Teaching and Teacher Education: An International Journal of Research and Studies*. 2007;23(7):999-1011.
22. Nasiripour A, Mehrabian F, Zadeh HT. [*Relationship between justice and effectiveness in hospitals of Shahid Beheshti University of Medical Sciences*]. *Journal of Medical Faculty of Guilan University of Medical Sciences*. 2008;17(67):88-93. [persian]

Students and Teachers' View about Educational Regulation Related to Continuing Education without Entrance Exam

Mahsa Shakour¹, Nikoo Yamani², Zahra Johari³

Abstract

Introduction: In recent years, ministry of health and medical education has approved a regulation for accepting top students for postgraduate courses without entrance exam that leads to many critiques and discussions. This article addressed students' and teacher's view about this regulation.

Methods: This was a qualitative study at school of nursing and midwifery, Isfahan University of medical sciences. Data collection was done through semi-structured interviews. Undergraduate students in 7th and 8th semester (who were not eligible for acceptance without entrance exam), postgraduate students and faculty members were selected using purposeful sampling. Data saturation was achieved with 8 interviews.

Results: 3 main themes and 11 subthemes were obtained. They were Justice (selecting only one outstanding student, inappropriate selection criteria, little differences and big outcome, ignoring differences between universities, deserve to be accepted); Ethical problems (destructive competition, bad communication with student who is accepted, negative attitude toward classmates); knowledge improvement (encouraging students in getting knowledge, optimized application of free higher education).

Discussion: The most frequent mentioned theme was injustice. However, decision-making for accepting students should be according to the public justice and higher education goals, and it must lead to a perfect policy and decision-making. There is no a standard and obvious strategy for student selection in higher education institutes, and it is hoped to consider the best strategy.

Keywords: higher education, Master of Science, justice, College Admission Test, Iran

Addresses:

¹. (✉) PhD Student in Medical Education, Department of Medical Education, Medical Education Research Center, Medical Education and Development Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran. E-mail: ms.shakour@gmail.com

². Assistant professor, Department of Medical Education, Medical Education Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran. E-mail: yamani@edc.mui.ac.ir

³. PhD Student in Medical Education, Department of Medical Education, Medical Education Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran. E-mail: joughari42@yahoo.com